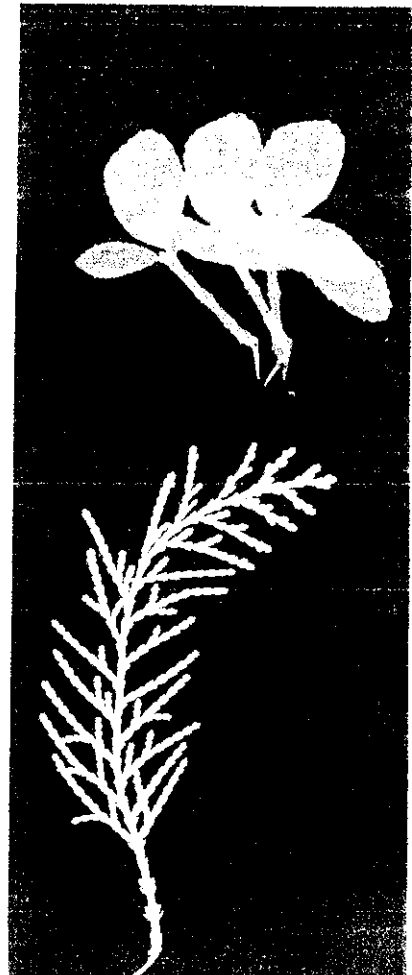


آهنگ دلنشین و دل‌انگیز شعر ما
«آوای» «خسروای» «نواهای» «خسروا» است

طرحی نو در عروض فارسی

□ جمال صدیقی



آموختن عروض فارسی اگر به شیوه علمی
تدوین شده باشد بسیار ساده است. ولی
متأسفانه بیش از هزار سال است که این علم
گرفتار قید و بندهای ثقیل و خفیف زحافات و
افاعیل ناهنجار مانده و بیشتر نوآموزان خود را
در نخستین گام بهمانده است.

خوشبختانه در سالهای اخیر به کوشش
استادانی بزرگوار چون شادروان دکتر پرویز
خانلری، ابوالحسن نجفی، دکتر سیروس
شمیسا و دکتر تقی وحیدیان روش تقطیع
هجایی جایگزین تقطیع سبب - وندی قدیم
گردیده است. کاری که لازم بوده، اما کانی
نیست. با این روش می‌توان زنجیره کلمات
مصراع را طی سه مرحله به افاعیل عروضی
تبدیل کرد. بدین گونه که برای یافتن وزن هر
مصراع، نخست کلمات را آن گونه که تلفظ
می‌نماییم، می‌نویسیم. پس از آن زنجیره کلمات
را به هجاهای کوتاه و بلند تبدیل نموده، سپس
مجموعه هجاها را که معمولاً با نظمی خاص
پدید آمده‌اند به افاعیل عروضی بر می‌گردانیم.
هر مبتدی این بخش کار را در چند ساعت
خواهد آموخت. اما مشکل اصلی یعنی بخش
زحافات که اساس نامگذاری بحور عروضی
است، هنوز در جای خود باقی است و تا زمانی
که گرفتار افاعیل و زحافات عروض سنتی
هستیم این مشکل رفع نخواهد شد.

نگارنده این سطور پس از سالها تدریس و
تحقیق راهی تازه یافته‌ام و مدعی هستم با
به‌کارگیری این روش، دشواری زحافات نیز به
سادگی دیگر مشکلات برطرف خواهد شد.
بنابراین اکنون که به همت عروضیان محقق
بسیاری از دشواری‌های این علم رفع گردیده و
میخ و طنابهای بلند و کوتاه خیمه خلیل بن
احمد از دست و پایمان باز شده دیگر دلیلی
ندارد دل بسته آن خیمه بمانیم یا با سرگردانی در
سنگلاخ زحافاتش از اصل دور شویم.

البته مشکل متفرعات افاعیل و زحافات بر
کسی پوشیده نیست و برای رفع آن نیز

کارهایی صورت گرفته، اما راه به جایی نبرده
است. برخی «ت» را در برابر هجای کوتاه و
«تن» را برابر هجای بلند نهاده‌اند. با این کار
فقط هجاها خسروانده می‌شود ولی کلمات
مشخصی به دست نمی‌آید که بتوان پایه‌های
تقطیع را از هم جدا کرد و تکلیف ناگاری نیز
به جا مانده است.

آقای وحیدیان معتقدند می‌توان بجای
افاعیل واژه‌های دیگری ساخت و به کار برد
ولی خود برای حفظ سنت از همان افاعیل -
البته با نظمی منطقی‌تر - استفاده نموده‌اند. از
بیزرو مشکل زحافات هنوز حل نشده است.
زنده یاد دکتر خانلری پس از تحقیق درباره
تعداد هجاهای لغات فارسی دریافته‌اند که
بسامد واژه‌های دو و سه هجایی از دیگر واژه‌ها
بیشتر است؛ از اینرو ده کلمه (نوا، چانه، آوا،
همه، خشاوا، بنوا، تیکاوا، خسروا، نرانه و
زمزمه) ساخته، آنها را ارکان تقطیع قرار
داده‌اند. این روش نیز با این که علمی است به
چند دلیل رواج نیافته است: نخست این که در
مصراع نه با تک تک واژه‌ها که با زنجیره
کلمات به هم پیوسته سروکار داریم و تبدیل
آنها به پایه‌های دو و سه هجایی اغلب مصراع
را تا هشت پایه برش می‌زند بنابراین کارایی آن
چندان بیشتر از شیوه «ت تن تنی» نیست. دیگر
این که برای پایه‌ها ده واژه مستقل در نظر
گرفته شده که چون انبساطی با هم ندارند
نمی‌توان آهنگهای به دست آمده را در
مجموعه‌های معینی نامگذاری نمود. به عنوان
مثال مصراع «سر آن ندارد امشب که بر آید
آفتابی» با روش ایشان چنین تقطیع می‌شود:
سه، ر، آن، ده، ر، ده، شب، که، بر، آ، ی، ده،
تا، بی

— / U — / U — / U — / U — / U — / U — / U

همه جامه جامه آوا همه جامه
جامه آوا

گرچه این روش از شیوه «ت تن تنی» بهتر
است، به پای تقطیع سنتی که همین مصراع را

به چهار پایه «فعلاتُ فاعلان، فعلاتُ فاعلان» تقسیم می‌کند، نمی‌رسد.

در آهنگ شناسی^۳ سعی شده ضمن بهره‌گیری از برخی واژه‌های ساخته دکتر خانلری، مصراعها با روش سنتی به سه یا چهار پایه تقسیم شود. و این تنها موردی است که سنت عروضی حفظ شده و از جنبه مثبت آن استفاده گردیده است. برش زنی مصراع بالا در آهنگ شناسی چنین است:

س، ر، آن، نه، داه، ره، دم، شب، که، پر، را، یه، داه، ف
تا بی
- - - - -
- - - - -
بنوای خشنواها بنوای خشنواها

نام آهنگ: بنوای خشنواها، چهار پایه کامل اکنون می‌پردازیم به بیان نحوه ساختن واژه‌های مورد نیاز و نامگذاری آنها تا: «آن کس که زباغ آشنایسی است داند که متاع ما کجایی است» واژه (نوا) مبنا قرار گرفته و از روی آن چهار واژه (آوا، بنوا، خشنوا، خشنوا) ساخته شده است. بدین گونه:

نوا (U -)

- ۱ - با تبدیل هجای کوتاه به بلند (نوعی افزایش هجا)، نوا ← آوا (-)
- ۲ - یک هجای کوتاه + نوا ← بنوا (UU -)
- ۳ - یک هجای بلند + نوا ← خشنوا (-U)
- ۴ - یک هجای بلند و هجای کوتاه + نوا ← خشنوا (-UU)

با افزودن یک یا دو هجای کوتاه یا بلند به آخر هریک از کلمات بالا واژه‌های جدید مورد نیاز ساخته می‌شود که مجموعه همخوانده‌ها را پدید می‌آورند. این گونه:

همخوانده‌های نوا

- ۱ - نوا + هجای کوتاه ← نوای (U - U)
- ۲ - نوا + هجای بلند ← نواها (U - -)

۳ - نوا + هجای بلند و کوتاه ← نواهای (U - U)

۵ - نوا + هجای کوتاه و بلند ← نوای نی (U - U)

۶ - نوا + دو هجای کوتاه ← نواهمه (UU - U)

همخوانده‌های آوا

۱ - آوا + هجای کوتاه ← آوای (U - -)

۲ - آوا + هجای بلند ← آواها (- - -)

۳ - آوا + هجای بلند و کوتاه ← آواهای (U - -)

۴ - آوا + هجای کوتاه و بلند ← آوای نی (- - U)

۵ - آوا + دو هجای کوتاه ← آواهمه (- - UU)

همخوانده‌های بنوا

۱ - بنوا + هجای کوتاه ← بنوای (UU - U)

۲ - بنوا + هجای بلند ← بنواها (- UU -)

۳ - بنوا + هجای کوتاه و بلند ← بنوای نی (UU - U)

همخوانده‌های خشنوا

۱ - خشنوا + هجای کوتاه ← خشنوای (U - U)

۲ - خشنوا + هجای بلند ← خشنواها (- U -)

همخوانده‌های خشنوا

۱ - خشنوا + هجای بلند ← خشنواها (- UU -)

ملاحظه می‌شود که پنج واژه (نوا، آوا، بنوا، خشنوا و خشنوا) اساس کار قرار گرفته و از هریک، همخوانده‌هایی با نظم بسیار دقیق و علمی ساخته شده است. این واژه‌ها ضمن این که بن دیگر واژه‌های همخوانده خود هستند، هر کدام نام یکی از پنج دستگاه همپایه

(بحور متفق الارکان) نیز می‌باشند. هر دستگاه نیز در برگیرنده چندین آهنگ (وزن) است. به این ترتیب:

۱ - دستگاه نوا: فرا گیرنده تمام آهنگهایی است که از پایه‌های نوا و همخوانده‌های آن تشکیل می‌شود. بن پایه‌ها در این دستگاه واژه (نوا) است. بن، بخش آغازی هر پایه است، جدول همخوانده‌ها نشان دهنده این مطلب است.

۲ - دستگاه آوا: در برگیرنده آهنگهایی است که از آوا و همخوانده‌های آن ساخته شده است. بن پایه آهنگهای این دستگاه واژه (آوا) است.

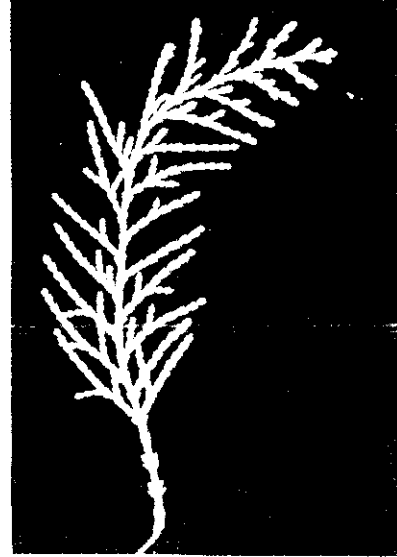
۳ - دستگاه بنوا: دارنده آهنگهایی است که از بنوا و همخوانده‌های آن ساخته شده است. بن پایه در آهنگهای این دستگاه واژه (بنوا) است

۴ - دستگاه خشنوا: فرا گیرنده آهنگهایی است پدید آمده از خشنوا و همخوانده‌های آن. بن پایه در این دستگاه واژه (خشنوا) است.

۵ - دستگاه خشنوا: دارنده محدود آهنگهایی که بن پایه آنها «خشنوا» است.

پایه‌های این پنج دستگاه به صورت متوالی یا متناوب تکرار می‌شوند. در کنار این پنج دستگاه، دستگاههای ناهمپایه (بحور مختلف الارکان) قرار می‌گیرند که از ترکیب پایه‌های دو یا سه دستگاه اصلی پدید می‌آیند. از قبیل دستگاه «نوا آوا»، «نوا بنوا»، «نوا خشنوا»، «آوا بنوا»، «آوا خشنوا» و... نامگذاری هر دستگاه ناهمپایه نیز بنا بر بن پایه‌های تشکیل دهنده آن است. پس از این خواهیم دید که هر آهنگ به نام پایه‌های تشکیل دهنده خود نامیده می‌شود. بنابراین در آهنگ شناسی نام دستگاه از بن و نام آهنگ از پایه گرفته شده است.

آنچه تحت عنوان همخوانده‌ها گذشت جانشینی بخش زحافات و متفرعات اناعیل عروض سنتی است که صفحاتی بسیار در کتابهای عروض بدان اختصاص یافته و



دراز دارد. زیرا «مفعولن» مکشوف «مفعولات» نیز هست. در اینس مسورد چنین داد سخن می‌دهیم:

کشف: برداشتن تناء «مفعولات» است. وقتی (ت) را برداشتیم (مفعولا) می‌ماند به جای آن «مفعولن» می‌گذاریم

بیچاره «مفعولن» که سرانجام معلوم نشد زاده کیست!

حاصلش جز سردرگمی چیزی نیست در ساختن واژه‌ها و همخانواده‌ها از روش واژه‌سازی فارسی (روش بیوندی) استفاده گردیده و مثل پیشوند و پسوند با افزودن پیش‌هجا و آه‌های اصلی و با افزودن پس‌هجا همخانواده آنها ساخته شده است تا به سادگی معلوم شود هر واژه از کدام خانواده است و یافتن نام آهنگ و دستگاه آسان باشد و دیگر مسجور نیابیم که مثلاً (مفعولن) را از (مفاعیلن) بدانیم و برای یافتن ارتباط آن دو بگوییم:

«مفعولن»، آخرم «مفاعیلن» است، زیرا خرم برداشتن حرف اولی است از جزوی که رکن اول آن وتد مقرون باشد و چون (م) را از مفاعیلن بردارند «مفاعیلن» ماند آن را به «مفعولن» تبدیل می‌کنیم تا بسا وزن صرفی واژه‌های عربی مطابقت داشته باشد. ولی کار به همین جا خاتمه نمی‌یابد زیرا «مفعولن» مقطوع «مستفعلن» هم هست. حال باید چنین سخن رانیم که:

قطع: ساکن کسردن حرف متحرک و برداشتن حرف ساکن از وتد مقرونی است که در آخر جزء قرار گرفته باشد و چون از مستفعلن (ن) را بردارند و (ل) را ساکن کنند «مستفعل» ماند بجای آن «مفعولن» می‌گذاریم. باز هم کار تمام نمی‌شود و این رشته سر

دستگاه آوا

۱- عمریست تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم
دست شفاعت هر زمان در نسیک‌نمی‌می‌زنم
عم، ریست، تا، من، در، ط، لب، ا، هر، روز، گام، ا
می، می، ز، نم
آوای نی آوای نی آوای نی آوای نی
نام آهنگ: آوای نی، چهار پایه کامل

۲- سود و زیان در قلب بازاریان جا کرده
بروای ما کی دارند این مردم سودایی
سو، د، ز، یان، ا، در، قلب، ا، یاه، زار، ر، یان، ا، جا، کر،

آوای نی آواها آوای نی آواها

دستگاه نوا

۱- به تمام خداوند جهان آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین
به، تا، م، خه، دا، ونه، د، جا، نا، ف، رین

نواها نواها نواها نواها

نام آهنگ: نواها، چهار پایه ناقص

تذکر: به هر آهنگی که بسایه آخر آن از پایه‌های قرینه یک یا چند هجا کمتر داشته باشد، ناقص گفته می‌شود ممکن است پایه آخر به یک هجای بلند تقلیل یابد که در برابر آن واژه (ها) قرار می‌گیرد. این واژه همخانواده هر یک از پنج واژه اصلی تواند بود.

۲- سلامی جو بسوی خوسر آشنایی
بدان مردم دیده روشنایی
سا، لا، می، چه، بو، ی، خه، شن، آه، شه، نا، یی

نواها نواها نواها نواها

نام آهنگ: نواها، چهار پایه کامل

۳- الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز
در آن سینه دلی و آن دل همه سوز
ا، لا، هی، سیه، نه، یی، ده، ا، ته، شف، روز

نواهایم نواهایم نواها

نام آهنگ: نواهایم، سه پایه ناقص

نام آهنگ: آوای نی آواها، چهار پایه کامل

آهنگهایی که پایه‌های متناوب دارند از روی دو پایه نخست نامگذاری می‌شوند، ولی چون بن پایه‌ها یکی است نام دستگاه عوض نمی‌شود.

در برش زنی بالا هجاهای کوتاه دوم و هفتم با توجه به قرینه‌های خود در پایه‌های بعدی، هجای بلند حساب شده‌اند.

دستگاه بنوا

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

به، جه، هان، خرا، ر، مه، زاه، نم، ا، که، جه، هان، خرا، ر، مه، زوست

بنواها بنواها بنواها بنواها

نام آهنگ: بنواها، چهار پایه ناقص

بر اهل فن پوشیده نیست که در این آهنگ نخستین هجای مصراعها گاه کوتاه و گاه بلند است و این از اختیارات شاعری است. در آهنگ‌شناسی این مورد با «بنواها» نقطع می‌شود.



دستگاه خشنوا

۱ - این زبان دل‌افسرندگان است نه زبان بسی نام خیزان این، ز، با /، ن، د، لقا، سُر، د، گسا، نست خشنوا خشنوا خشنوا ها

نام آهنگ: خشنوا، چهارپایه ناقص

۲ - ما زیاران چشم یاری داشتیم خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم ما، ز، یا، ران، چش، م، یا، ری، دا، ش، تیم خشنواها خشنواها خشنوا

نام آهنگ: خشنواها، سه پایه ناقص

آهنگهایی که آورده شد نمونه‌هایی از دستگاههای همپایه بود. در اینجا دو نمونه از نخستین دستگاه ناهمپایه بررسی می‌شود و نمونه‌ای هم از دستگاهی دیگر:

دستگاه آوانوا

۱ - کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد یک نکته در این معنی گفتیم و همین باشد کی، شعر، را، ت، رت، گیب، زدا، خا، طبر، کا، ح، زین، با، شد

آوای نواهایم آوای نواهایم

نام آهنگ: آوای نواهایم، چهارپایه کامل

این بیت با سنت عروضی و به شیوه سه چهاری تقطیع شده اگر آن را با روش آقای وحیدیان یعنی به صورت چهارتاسه‌تاسه‌تاسه، هجابتندی کنیم آهنگ آن (آواهمه، آواها، آواهمه، آواها) می‌شود و نام آهنگ (آواهمه آواها) خواهد شد از دستگاه همپایه (آوا)

۲ - افلاک که جز غم نفزایند دگر نهند بجا تا نریایند دگر افلاک، ک، ک، جز، غم، نا، ف، زا، ینه، دا، د، گر آوای نواهای نواهای نوا

نام آهنگ: آوای نواهای، چهارپایه ناقص

این آهنگ وزن اصلی رباعی است که به شیوه عروض سنتی تقطیع شده و دارای یک پایه (آوای) و سه پایه (نواهای) می‌باشد و پایه آخر ناقص است. با روش دکستر وحیدیان آهنگ چنین می‌شود (آواهمه، آواهمه، آواهمه، ها) نام آهنگ (آواهمه) و از دستگاه (آوا) است.

دستگاه نواینوا

من این حروف نوشتم چنانکه غیر ندانست تو هم ز روی محبت چنان بخوان که تو دانسی ه، نین، ح، رو، ف، ت، و، ش، تم، ج، نان، ک، غیا، ر، ت، دا، نست

نوای نی بنواها نوای نی بنواها

نام آهنگ: نوای نی بنواها، چهارپایه کامل

در پایان لازم می‌دانم واژه‌هایی که در برابر اصطلاحات عروض سنتی به کار رفته بیابوم و یادآوری نمایم که این کلمات دقیقاً ترجمه آن اصطلاحات نیست.

نواها	در برابر	افاعیل
آهنگ‌شناسی	در برابر	عروض
دستگاه	در برابر	بحر
آهنگ	در برابر	وزن
برش‌زنی	در برابر	تقطیع
همپایه	در برابر	متفق‌الارکان
ناهمپایه	در برابر	مختلف‌الارکان
چهارپایه	در برابر	منمن
سه‌پایه	در برابر	مسدس

بدهی است که غرض عوض کردن اصطلاحات و تبدیل چند کلمه عربی به واژه‌های فارسی نبوده است بلکه کیفیت و نظم کار ساخت این واژه‌ها و اصطلاحات جدید را ایجاد می‌کرده و هدف همان‌ساده کردن دانشی است که خود ساده است و ساهاست از قید و بند افاعیل ناساز رهایی نیافته. گمان نمی‌کنم کسی انصاف را بکسو نهد و حفظ سنت را بهانه کند و برآشوبد که قطع رابطه با گذشته گناهی است نابخشودنی. صاحب‌نظران نیک آگاهند که دامنه کاربرد عروض بر خلاف خط و زبان و بسیاری دیگر از مسائل ادبی و فرهنگی بسی محدود است و عوض کردن اصطلاحات بنا به ضرورت مشکلی پیش نخواهد آورد. کار بر دانش‌آموزان و دانشجویان ادبیان آسان‌گشته وقت عزیزشان بیهوده تلف نخواهد شد. استادان گرانقدر عروض نیز با بذل عنایت به آهنگ‌شناسی و صرف یک ساعت از عمر گرانبه‌ای خویش به چگونگی این شیوه تازه پی خواهند برد و به همان سادگی که صامت و مصوت و هجای کوتاه و بلند را جایگزین ساکن و متحرک و سبب و وتد نموده‌اند «نواها» را جانشین افاعیل و متفرعات مزاحف آنها توانند کرد این فشرده و گزیده‌ای بود از کتاب آهنگ‌شناسی که بی‌شک خالی از عیب نیست امیدواریم که صاحب‌نظران و گرانمایگان عروض از یک سو عیب مرا به من نمایند و از دیگر سو همتم بدرقه راه کنند تا با این روش ناهنجاری‌های عروض برطرف گردد.

- حاشیه ۱ - وحیدیان تقی، وزن و قافیه شعر فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷، ص ۲۵.
- ۲ - خانلری برویز، وزن شعر فارسی، ص ۱۰۱.
- ۳ - آهنگ‌شناسی نام کتابی است در عروض از نگارنده. چاپ اول ۱۳۶۶. معرفی شده در صفحه ۶۸ شماره دوم، سال هشتم نشر دانش چاپ دوم ۱۳۶۸.